

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم): إن لقتل الحسين (علیه السلام) حرارة فی قلوب المؤمنین لا تبرد أبدا. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ح ۱۳

مسئله ۱: بلوغ چهار مرحله دارد.

مرحله اول: بلوغ در عبادات و رعایت واجبات و محرمات است. که حد آن اتمام سن ۱۵ سال قمری در پسرها و نه سال قمری در دخترها و دیگر علائمی که در رساله توضیح المسائل (مسأله ۱۹۰۹) آورده ایم.

روزه یکی از عبادات است و فردی که به سن بلوغ رسیده اگر توانایی دارد همه روزه‌ها را بگیرد باید انجام دهد و اگر توانایی ندارد، به هر مقدار که می‌تواند انجام می‌دهد و بقیه را به مرور تا سال بعد در روزهایی که می‌تواند قضا کند و اگر تا سال بعد نیز توانایی پیدا نکرد، برای هر روز یک فقیر را سیر می‌کند. و قضا ساقط می‌شود.

ملاک عدم توانایی، ایجاد عسر و حرج و به خطر افتادن سلامت فرد است و دلیل آن آیه شریفه «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ»^۱ و ادله عسر و حرج و قاعده لاضرر است.

مرحله دوم: بلوغ در نکاح است، یعنی باید رشد جسمانی مناسب برای ازدواج و عمل زناشویی داشته باشد و اگر وضع او طوری است که آسیب به او می‌رسد، نکاح جایز نیست. البته خواندن صیغه بدون آثار دیگر ازدواج اشکال ندارد و دلیل آن نیز ادله عسر و حرج و قاعده لاضرر و آیه شریفه

« فَإِنَّ ءَأَنْتُمْ مِّنْهُمْ رُشْدًا »^۲ است. هر چند آیه مربوط به رشد اقتصادی است ولی از باب الغای خصوصیت، در اینجا نیز جاری و ساری است.

مرحله سوم: بلوغ اقتصادی است به این معنی که بتواند اموالش را سرپرستی کند و او را فریب ندهند. البته بلوغ اقتصادی دارای مراحل است و به هر اندازه که رشد اقتصادی پیدا کند، می‌تواند در اموالش تصرف کند (فرق است بین خرید نیازهای روزمره و معامله ملک و زمین و خانه و امثال آن). دلیل آن صراحت آیه شریفه «وَأَبْتَلُوا أَلْيَتَمِمَى حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنَّ ءَأَنْتُمْ مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ»^۳ است.

مرحله چهارم: رشد برای مسائل حدود و قصاص و امثال آن است. البته در دیات نه علم شرط است نه عمد، بنابراین قتل خطا و شبه عمد دیه دارد. ولی در حدود و قصاص و امثال آن، چنانچه درکی از این مسائل ندارد، نمی‌توانیم آنها را بر او جاری کنیم. و دلیل آن استفاده از آیه شریفه «فَإِنَّ ءَأَنْتُمْ مِّنْهُمْ رُشْدًا»^۴ است. که در این دو صورت در اینجا نیز جاری است. زیرا آیه ناظر به یک معیار عقلانی است نه یک تعبد محض نسبت به بلوغ اقتصادی، و تمام انواع بلوغ را شامل می‌شود. به این

معنی که در هر مورد رشد برای کاری نباشد، نمی توان مسئولیت آن کار را تحمیل کرد. و در صورت شک نیز اصل عدم جواز است.

سؤال ۲: دختری از عقد دائمی که به مصلحت او نبوده باردار شده؛ سپس در زمان حمل، طلاق می گیرد و بعد از طلاق، جنین ساقط می شود. آیا بعد از سقط، عدّه تمام خواهد شد؟

جواب: اگر چه عقدی که به مصلحت او نبوده باطل است، ولی چون وطی به شبهه است عدّه دارد و با اتمام حمل، عدّه تمام می شود.

سؤال ۳: اگر بعد از عقد، مشخص شود زوجه ای که خود را باکره معرفی کرده، به علّت زنا قبل از عقد، حامله است آیا عقد صحیح؟

جواب: حمل از زنا، ضرری به عقد نکاح نمی زند و عدّه ندارد.

سؤال ۴: نیم خورده حیوانات حرام گوشت (البته به غیر از حیوانات نجس العین) حرام است یا مکروه؟ نیم خورده گربه چطور؟

جواب: نیم خورده حیوانات حرام گوشت، مکروه است و در مورد گربه، اگر حیوان آلوده باشد، آن نیز مکروه است.

سؤال ۵: ولایت آب و جدّ در طول یکدیگرند یا در عرض هم؟ و اگر فرضاً، هم زمان عقدی را جاری کنند، کدام مقدّم است؟

جواب: ولایت پدر و جدّ در عرض یکدیگر است. و بر فرض اینکه هر دو در آن واحد اعمال ولایت کنند، ولایت جدّ مقدّم است.

سؤال ۶: اگر پدر و جدّ در پرداخت زکات کودک اختلاف داشته باشند، یکی طرفدار پرداختن باشد و دیگری عدم پرداخت، قول کدام مقدّم است؟

جواب: چون نزاع بر سر اجرای حکم مستحب و اموال صبی است، ولایت فردی که نافی پرداخت زکات است مقدّم می شود.

سؤال ۷: اگر وکیل و موکل در آن واحد معاملات جداگانه ای انجام دهند، حکم چیست؟

جواب: هر دو معامله باطل است. زیرا اقدام موکل در این گونه موارد، به معنی عزل وکیل نیست. شاید تصوّر می کرده که وکیل اقدام نکرده، لذا خودش اقدام می کند.

سؤال ۸: کسی که در تقلید احتیاط می کند، خمس را به کدام یک از مراجع بپردازد؟

جواب: می تواند خمس را به هر فردی که صالح برای تقلید است بپردازد.

سؤال ۹: در چه مواردی قسم دروغ جایز است؟

جواب: با توجه به این که قبیح ذاتی دروغ به صورت مقتضی است نه به صورت علّت تامّه، یعنی شرایط و موانع می تواند در آن تأثیر گذارد، جواز قسم دروغ مبتنی بر مسأله اهم و مهم خواهد بود. یعنی در جایی که اگر راست بگویند، هدف مهم تر شرعی به خطر می افتد، مجاز خواهد بود. در غیر این صورت نه.

سؤال ۱۰: آیا امام جمعه برای رعایت حال مقلدینی که به نظر مرجعشان باید علاوه بر نماز جمعه، نماز ظهر را نیز بخوانند، لازم است نماز ظهر را اعاده کند؟

جواب: واجب نیست.

دفتر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

۱۳۸۸/۰۹/۱۸